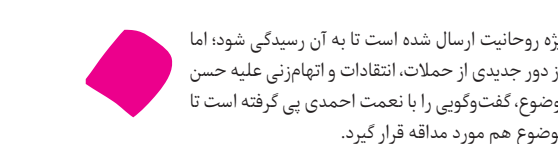


بررسی محتوا و پیامدهای اتهام جاسوسی به روحانی در گفت وگو با نعمت احمدی

نمی‌شود به دلیل زاویه سیاسی ساختارهای کشور را زیر سؤال ببریم

من حاضرم از حسن روحانی در دادگاه دفاع کنم



را مطرح کنند و از آن طرف دست روحانی، لاریجانی و... را هم برای پیگیری این شکایات خود می‌بندند. قرار نیست یک جمعیت ۴۰،۳۰ نفره را در یک مکان جمع کنیم، یک دوربین هم بکاریم و یکی از این آقایان بخواهند هرچه خواستند بدون سند و مدرک و فقط به دلیل داشتن حاشیه امن مطرح کنند. باید یک جایی جلوی این رویه غلط گرفته شود، حتی اگر با هدف انتخاباتی هم این ادعاها مطرح شده باشند. چون بالاخره پای آبروی افراد در میان است.

نمی‌شود به دلیل فضای انتخاباتی یا اهداف جناحی و حزبی با آبروی افراد مثل دستمال رفتار کنیم؛ آن را لکه‌دار کنیم و به گوشه‌ای بیندازیم. کاش به جایی برسیم که روزی مانند انتخابات ترکیه رفتار کنیم. چه انتخاباتی روز بکشید در ترکیه برگزار شد. واقعا من بشخصه از آن لذت بردم. ای کاش ما هم روزی به چنین بلوغ سیاسی‌ای برسیم. اتفاقا یکی از مشکلات ساختاری انتخابات این است که هر نهاد و قوه‌ای برای خودش انتخابات جدا دارد. انتخابات مجلس جداست، انتخابات ریاست‌جمهوری جداست و...؛ اینکه نمی‌شود. باید برای کاهش هزینه‌های سیاسی و همچنین هزینه‌های برگزاری، این انتخابات‌ها را یک‌کاسه کنیم، نه اینکه هر دو سال یک بار یک انتخابات برگزار کنیم و هر سال هم شاهد تبعات و تنش‌ها و درگیری‌های سیاسی انتخابات مجلس یا انتخابات ریاست‌جمهوری باشیم. امسال که سال انتخابات است و درگیری‌ها در ماه‌های منتهی به اسفندماه بیشتر هم می‌شود. سال ۱۴۰۳، سال استراحت خواهد بود دوباره سال ۱۴۰۴ سال انتخابات ریاست‌جمهوری است و دوباره درگیری‌ها از سر گرفته می‌شود. این که نمی‌شود.

♦ **به نکته مهمی اشاره کردید، اتفاقا پیرو آسیب‌شناسی شما از فضای سیاسی کشور طیفی از تحلیلگران معتقدند اگر حسن روحانی در دوره ریاست‌جمهوری خود از پتانسیل حقوقی پست رئیس‌جمهوری استفاده می‌کرد و با پیگیری‌های حقوقی آنان را پاسخ‌گو می‌کرد، اکنون بقیه حساب کار دستشان می‌آمد. شما موافق این نگاه هستید؟**
به هیچ عنوان، ما نباید به فکر بستن دهان‌ها باشیم. باید اصلاح دهان‌ها را در دستور کار قرار دهیم. باید با بگیریم هر فردی به دلیل حمایت جریان سیاسی و داشتن حاشیه امن به خود اجازه ندهد از یک تریبون آبروی افراد را به دلیل منافع سیاسی، جناحی و حزبی زیر سؤال ببرد و حرف‌هایش بُعد جرم‌انکاری داشته باشد. اتفاقا من آرزو دارم که فضا زایل‌تر شود. ای کاش در ایران تریبون برای همه باز باشد و همه بتوانند آزادانه حرف خود را در روزنامه‌ها و دیگر محافل بزنند، نه اینکه ازغدی و عده‌ای محدود، فقط با حاشیه امن مشغول بردن آبروی افراد باشند و کسی هم جرئت شکایت از آنها را نداشته باشد. باید فضا و تریبون برای همه باشد که حرف بزنند، اما درست، مستند، با دلیل و تحلیل حرف بزنند. یعنی حرف حساب بزند و طرف مقابل هم پتانسیل پذیرش نقد را داشته باشد. ما نباید تریبون‌ها را ببندیم. باید آن را اصلاح کنیم. پس اگر آقای روحانی در هشت سال ریاست‌جمهوری خود از پتانسیل حقوقی پست رئیس‌جمهور استفاده می‌کرد و دهان برخی از منتقدان خود را از طریق شکایت در قوه قضائیه می‌بست یا با ارسال لایحه‌ای به مجلس و تصویب آن به صورت قانون، دهان منتقدان را بسته بود، امروز از او به عنوان چهره سیاسی آزادی‌کشی یاد می‌شد که پتانسیل پذیرش منتقدان را ندارد و باب بستن دهان‌ها را بنا نهاده است.

♦ **جناب احمدی با بخشی از گفته شما درخصوص تأثیر فضای انتخاباتی و نگرانی یک جریان خاص برای شکسته‌شدن قدرت یکدست‌شده به عنوان موتور آغاز اتهام‌زنی به روحانی، لاریجانی و... موافقم، اما موضوع را باید فراتر و قدری بزرگ‌تر دید، چون صرفا نمی‌توان همه چیز را به روحانی، لاریجانی و دعواهای انتخابات محدود کرد. ما ۱۶ اردیبهشت شاهد رای نهایی پرونده ولی‌الله سیف، احمد عراقچی و سایر مدیران اسبق بانک مرکزی دولت روحانی در باز دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلاک‌گران در نظام اقتصاد بودیم که احکام صادرشده قابل نقد است. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که نمی‌توان صرفا به اتهام‌زنی برخی تریبون‌داران مانند ازغدی و... بسنده کرد، کمابینهک کمسیون اصل نود و کمسیون قضائی مجلس یازدهم از همان روزاوال این مجلس در موارد متعدد اتهامی، پرونده‌هایی را علیه حسن روحانی و دیگر اعضای دولت مطرح کرده‌اند. شکایت از محمدجواد ظریف به‌خاطر مذاکرات برجام و به‌خصوص بیژن نامدارزنگنه هم در رابطه با پرونده کرست نیز مانند شمشیر داموکلس عمل می‌کند که هر لحظه می‌تواند مانند ولی‌الله سیف روی سر آنها فرود بیاید. پس مسئله قدری جدی‌تر است، نه؟**

سؤال بسیار مهمی را مطرح کردید که چند نکته جدا از هم دارد که باید هرکدام را مستقلا پاسخ داد. درخصوص رای نهایی پرونده مدیران اسبق بانک مرکزی، من در همان مدت کاری آقای سیف و مطرح‌شدن پرونده ۱۲۰ میلیارد تومانی بانک صادرات منتقد جدی به‌کارگیری وی در بانک مرکزی بودم. بارها گفته‌ام که اگر آن اتفاق‌ها و پرونده در بانک صادرات برای آقای سیف مطرح است و چنین چیزی وجود دارد، نباید ایشان در پست بالاتری قرار بگیرد، اما متأسفانه دیدیم که او به بانک مرکزی آمد و رئیس کل هم شد. نکته اینجاست که در بلبلش‌های ارزی دوره روحانی، دادگاه‌هایی به‌عنوان اخلاخل در نظام اقتصادی شکل گرفت. زمانی که خبر ارجاع پرونده سیف در محاکم اخلاخل در بازار باز به این دادگاه مطرح شد، برای من شایان توجه بود، چون این دادگاه‌ها به‌عنوان اخلاخل در نظام اقتصادی نه مطابق با آیین دادرسی کیفری

نمی‌شود که هر فردی به دلیل وابستگی سیاسی و جناحی به‌راحتی هر چیزی را که

خواست، بدون سند و مدرک مطرح کند و افکار عمومی را درگیر کند. اصلا گفته‌های ازغدی ضدید با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مشخصا اصل ۳۷ است که می‌گوید «اصل بر برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی‌شود؛ مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود». پس باز هم تکرار می‌کنم دو حالت بیشتر ندارد؛ یا حسن روحانی جاسوس است که باید به جرم او رسیدگی شود و قطعا تبعاتی را هم برای تمام نهادهای سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی دارد که در طول این ۴۴ سال چگونه نفهمیده‌اند او جاسوس است؛ اما یک سخنران که هیچ جایگاهی هم در مناصب دولتی و اداری ندارد، این را فهمیده است؟ یا برعکس، رئیس‌جمهور سابق می‌تواند ازغدی را محکوم کند که قطعا باید تحت تعقیب قرار بگیرد تا حاشیه امن او و افرادی مانند او شکسته شود که نتوانند به این راحتی و صرفا برای منافع سیاسی و حزبی هرچه خواستند، بگویند.

♦ **جناب احمدی پیرو تأکید چندباره شما این پرونده دو حالت بیشتر ندارد؛ یا حسن روحانی محکوم است و جاسوس خواهد بود یا ازغدی بابت اتهامات خود باید محکوم شود و تحت تعقیب قرار بگیرد؛ اما یک حالت سوم وجود دارد؛ اینکه اصلا پرونده به نتیجه نرسد و با یک ریش‌سفیدی ختم شود؛ چون به قول شما یا با اثبات جاسوس‌بودن حسن روحانی، تمام نهادهای مرتبط زیر سؤال می‌روند که چگونه نفهمیده‌اند که رئیس‌جمهور سابق ایران جاسوس بوده است و پیش‌ازاین هم در مناصب کلیدی نظامی، اطلاعاتی، دفاعی و دیپلماتیک حضور داشته است یا اینکه با محکومیت حسن روحانپوزازغدی، جریان سیاسی پشت او محکوم خواهد شد. پس برای حفظ آبرو هم که شده با یک ریش‌سفیدی سیاسی یا فشار سیاسی - امنیتی یک جناح خاص نزدیک به ازغدی این پرونده جمع خواهد شد. غیر از این است؟ آیا صیغه سیاسی این پرونده بر صیغه حقوقی آن چیره خواهد شد؟**

ببینید اصلا کل این پرونده سیاسی است، نه حقوق و قضائی؛ بنابراین مراحل بعدی در رویه حقوقی شکایت روحانی از ازغدی قطعا واکنش سیاسی را به دنبال خواهد داشت، چون پرونده در هر دو حالت فقط دامن حسن روحانی یا ازغدی را نمی‌گیرد، بلکه تمام جریان‌های پشت این دو را نشان می‌رود. پس هدف اصلی دوره جنگ بوده است، حتی رهبری هم حکم ریاست‌جمهوری را را تنفیذ کرده است. همین حسن روحانی برای انتخابات مجددا خود را نامزد می‌کند. دوباره شورای نگهبان، وزارت کشور و دیگر نهادهای امنیتی و اطلاعاتی او را تأیید می‌کنند و دوباره این‌فرد با حدود ۲۴ میلیون رای مجددا رئیس‌جمهور می‌شود. بعد صرفا به دلیل منافع سیاسی در یک سخنرانی و بدون هیچ مدرکی به‌راحتی او را جاسوس بدانیم. اگر مبنای قضاوت کسی مانند آقای اکبری است که او اتفاقا ارتباط بیشتری با دبیر فقهی شورای عالی امنیت ملی داشته، این یک رویه در علم قضااست که به آن «مفهوم مخالف» می‌گویند؛ پس اگر آقای ازغدی باور دارد که رئیس‌جمهور سابق جاسوس است؛ یعنی تمام ساختارهای سیاسی و امنیتی ایران زیر سؤال می‌رود؛ چون همان‌طور که گفتیم، شورای نگهبان، وزارت کشور، وزارتخانه‌ها و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی هم زیر سؤال می‌روند، فقط به خاطر منافع سیاسی و زاویه‌ای که ازغدی با حسن روحانی دارد. نمی‌شود صرفا به دلیل زاویه سیاسی به این راحتی تمام ساختارهای سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی ایران را زیر سؤال ببریم. اگر با آقای حسن روحانی زاویه سیاسی داریم، خوب از آقا انتقاد کنید، نه اینکه با یک اتهام‌زنی و بدون هیچ‌گونه سند و مدرکی کل ساختار جمهوری اسلامی ایران تحت‌الشعاع قرار بگیرد؛ چون این آقا هشت سال رئیس‌جمهور بوده است و در کل ۴۴ سال هم در پست‌های کلیدی نظامی، دفاعی، امنیتی و دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران حضور داشته است. نمی‌شود که یکباره او را جاسوس بخوانیم؛ یعنی هیچ‌کدام از این نهادها و ارگان‌های اطلاعاتی در این ۴۴ سال نفهمیدند حسن روحانی جاسوس بوده است و اکنون حسن روحانپوزازغدی این را فهمیده‌ا؟ اینکه نمی‌شود، همین‌طور و بدون سند و مدرکی هرکسی را خواستیم متهم کنیم.

♦ **نحوه ورود دادستانی را قابل دفاع می‌دانید؟**

به‌هیچ‌وجه.

♦ **چرا؟**

چون جا داشت برای اتهام به این مهمی قبل از اینکه شکایت حسن روحانی از

حسن روحانپوزازغدی اعلام وصول شود، خود دادستانی ورود می‌کرد.

♦ **به چه دلیل؟**

این یک جرم عمومی است و جنبه خصوصی ندارد؛ یعنی کلیت اداره سیاسی،

امنیتی و دیپلماتیک کشور زیر سؤال رفته است. من کاری به پست‌های قبلی حسن

روحانی ندارم؛ ولی ایشان مشخص هشت سال رئیس‌جمهور این کشور بوده است؛

یعنی در همین بازه زمانی هشت‌ساله ریاست‌جمهوری عملا کلیت ساختار ایران با

اتهام جاسوس‌بودن حسن روحانی زیر سؤال می‌رود. پس جا داشت اصلا به محض

چنین ادعایی از سوی ازغدی، خود دادستانی ورود می‌کرد و درباره جاسوس‌بودن یا

نبودن حسن روحانی تحقیق می‌کرد، حالا که دادستانی ورود نکرده است و شکایت

آقای حسن روحانی مطرح شده، با اعلان خصوصی رئیس‌جمهور سابق، دادستان

باید ورود جدی به این شکایت داشته باشد.

♦ **برعکس رویه بیگی (نماینده مجلس) که...**

به نکته خوبی اشاره کردید. مگر می‌شود یک نماینده مجلس مانند آقای بیگی

صرفا به دلیل افشاگری درباره پرونده شاسی‌بلندها که سند و مدرک زیادی هم برای

اثبات ادعایش دارد تا جایی که حتی مشخص می‌شود که چنین مسئله‌ای از اساس

وجود نداشته است، هم خود مجلس و هم ریاست‌جمهوری به آن ادعان کرده‌اند،

بازرس ویژه ریاست‌جمهوری هم به آن اعتراف کرده؛ اما دادستان همه این موارد را

کنار می‌گذارد و برای نماینده تبریز قرار صادر می‌کند. اگر ازغدی هم برای ادعا و اتهام

به این سنگینی ادله و سندی ندارد، قطعا باید محکوم شود.

♦ **دادگاه که دو حالت بیشتر ندارد؛ یا حسن روحانی محکوم است یا ازغدی که...**

بله، قطعا همین است. یا ازغدی می‌تواند مدارکی بیاورد و ثابت کند که

رئیس‌جمهور سابق ایران جاسوس بوده است که قطعا تبعات بعدی خود را برای

تمام نهادهای سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی کشور خواهد داشت یا اینکه رئیس‌جمهور

سابق پیرو شکایتش می‌تواند ازغدی را محکوم کند که قضات جریان وابسته به این

بود و نه انطباقی هم با موضوعات قانونی جاری در کشور داشت. این دادگاه‌ها به دادگاه‌های «استجازه» معروف هستند؛ یعنی آملی‌لاریجانی به‌عنوان رئیس سابق قوه قضائیه اجازه گرفت دادگاه‌های ویژه‌ای را که به باور من نوعی از دادگاه‌های صحرایی بودند، برای موضوعات اقتصادی و ارزی تشکیل دهند. مسئله اخلاخل در ارز و بازارهای اقتصادی و دلالی در دوره روحانی چنان پرنرگ شده بود که این مقامات در آن برهه هیچ راه‌حلی پیدا نکردند جز اینکه بخواهند با این دادگاه‌های صحرایی و دادگاه‌های ویژه به نام دادگاه‌های اخلاخل در نظام اقتصادی کشور برای برخی‌ها خط‌ونشان بکشند. بنابراین این دادگاه احکامی را علیه آقای سیف، احمد عراقچی، سالار آقاخانی، میثم خدایی، رسول سجاد و بقیه مطرح کرد که کار به اعاده دادرسی این افراد کشیده شد. اما جالب‌تر اینجاست که در مرحله اعاده دادرسی دیگر خبری از عنوان اتهامی اخلاخل در نظام اقتصادی مطرح نشد. وقتی در مرحله اعاده دادرسی این اتهام کنار گذاشته شد و دادگاه مرجوع‌البه پذیرفت که عنوان اتهامی اخلاخل در نظام اقتصادی نبوده است، دیگر نمی‌توانست حکمی برای این اتهام صادر شود؛ چون وقتی این اتهام مطرح نیست، قطعا تحت هیچ شرایطی احکام صادرشده قابلیت اجرایی ندارند. ضمن اینکه من معتقدم آقایان سیف، عراقچی، آقاخانی و دیگرانی که در این پرونده با این احکام سنگین مواجه هستند، نه هفت پشت قبل از آنها و ۷۰ پشت بعد از آنها نمی‌توانستند این پول را ببرند و به تبشش نمی‌توانند طبق حکم، این جرمیه شگفت را هم ببند.

اما به سؤال قبلی شما بازگردیم و به پرونده کرست و اتهام‌ها علیه آقای زنگنه برسیم. مطمئن باشید روزی مورخان درخصوص پرونده کرست‌ن به این ارزیابی و جمع‌بندی می‌رسند که افشای این قرارداد تا چه حد برای ما زیان و ضرر داشت و چه افرادی برای منافع جناحی خود، چه هزینه‌ای را به کشور تحمیل کردند. اینکه چطور شد برخی افراد به بهانه‌هایی این قرارداد را به‌هم زدند، اما مشابه همین قرارداد برای قطر انجام شد و سود سرشاری را متوجه دوحه کرد، درحالی‌که ما اکنون باید چندین میلیارد خسارت این قرارداد را بدهیم و دیگر نمی‌توانیم از آن حوزه نفتی استفاده کنیم. ببینید قرارداد‌های نفتی یک حوزه تخصصی است؛ به‌عنوان وکیل یا قاضی در بوشهر، بندرعباس، کیش، خارک، تهران و... نمی‌توانیم به آن ورود کنیم؛ چون مسئله کاملا تخصصی و در حوزه نفتی است. تمام متخصصان حوزه نفتی و تمام متخصصان حوزه حقوقی انرژی بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که قرارداد کرست‌ن یکی از بهترین قراردادالهای نفتی بوده که می‌توانست سود سرشاری را متوجه ایران کند، اما متأسفانه به دلیل برخی منافع جناحی از یک مسیر غلط، زیرآب همان قرارداد را زدند و در نهایت نه‌تنها ایران نفعی از این قرارداد نبرد، بلکه باید خسارت‌های آن را هم پرداخت کند. اگر آقای زنگنه در مدت وزارت خود یک کار خبری جمهوری اسلامی ایران و مردم کرده باشد، همین قرارداد کرست‌ن بود که عده‌ای نگذاشتند به نتیجه برسد و اکنون باید خسارت آن را بر دهیم. تازه نکته اینجاست که تمام اشتباهات را هم گردن آقای زنگنه می‌اندازند. اگر آقای زنگنه مقصر است، چرا اجازه نمی‌دید دست به روشنگری بزنند؟ اتفاقا در مقطعی در همین تلویزیون قرار بود ایشان بیاید و افشاگری کند و چون می‌دانستند که آقای زنگنه چیزهایی می‌گوید که نباید بگوید، به او اجازه حضور در تلویزیون را ندادند تا مشخص شود چه کسانی با چه اهدافی این قرارداد را از بین بردند و چه خسارتی را به کشور تحمیل کردند؛ فقط به خاطر اهداف جناحی، بانددازی و حزب‌بازی برخی حضرات.

زمانی که به واسطه این قرارداد مشخص شد شرکت توتال در پارس جنوبی حضور پیدا می‌کند، تیوپخانه سیاسی و رسانه‌ای جریان مقابل حمله خود را شروع کرد. نتیجه آن چه بود؟ توتال از ایران رفت و چند کیلومتر آن‌طرف‌تر همین قرارداد را با قطرری‌ها بست. اکنون قطر به‌عنوان مرفه‌ترین کشور در جهان شناخته می‌شود. این پول که از آسمان نیامده است، نتیجه همین قرارداد‌های نفتی و گازی است. قطر که صد حوزه نفتی ندارد؛ دو حوزه نفتی مشترک با ما در پارس جنوبی و آزادگان دارد. اما دعوای جناحی در ایران، قرارداد کرست و امتیازات آن را نابود کرد و اکنون باید خسارت بدیهی و آقای زنگنه باید محکوم شود. اعتراض کارگران حوزه نفت و پتروشیمی در عسلویه، پارس جنوبی و دیگر جاها به دلیل فشار اقتصادی و معیشتی بلند شده است، اما هم‌زمان کشور قطر توانست با همین پول قرارداد‌ها، میزان جام جهانی و... شود. همین یکی، دو روز پیش هم طبق اخبار اعلام شد قطر مرفه‌ترین کشور دنیااست. این پول از کجا به قطر سرازیر شد؟ از جیب من و شما، از جیب بدخواهان فقط به خاطر دعوای حزبی و جناحی، حمله علیه زنگنه آغاز شد و آقای زنگنه هم مجبور به واکنش شد. در این بین نفر سوم به‌راحتی قرارداد را به نفع خود برد. قرارداد کرست‌نی که می‌توانست سود سرشاری را متوجه من و شما و مردم ایران کند، اکنون باید خسارتش را بپردازیم. اما همین قرارداد کرست‌ن در قطر موتور رفاه را روشن کرده است.

♦ **در این پی اقدام دولت رئیسی برای کنارگذاشتن جرح لووان انیس، سرداور پرونده کرست ن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

من پرونده کرست‌ن را یک پرونده حقوقی نمی‌دانم، یک پرونده جناحی است؛ چون یک جناح دوست دارد این پرونده مانند یک شمشیر داموکلس و اهرم فشار سیاسی در دست آنها باشد که هر زمان خواستند از آن استفاده کنند. در این بین تنها چیزی که نادیده گرفته می‌شود، سود سرشاری است که از جیب ایران رفت و مردم باید تاوان این دعوای‌ها جناحی را ببندند و از بیت‌المال خسارت این قرارداد پرداخت شود. بیخجال و سفره مردم خالی و خالی‌تر می‌شود، اما پرونده کرست در برخی رسانه‌ها هر روز جاق و چاق‌تر می‌شود تا به‌عنوان یک اهرم فشار سیاسی کماکان از آن استفاده شود و مهم نیست که چه افرادی با چه انگیزه سیاسی این قرارداد را نابود و این خسارت را به کشور تحمیل کردند. اصلا فکر کنید این سرداور برداشته شد، چه اتفاقی می‌افتد؟ مشکل سرداور پرونده نیست. اکنون که این سرداور برداشته شد، سرداور بهتری روی کار می‌آید؟ پس با برداشتن افراد مسئله حل نمی‌شود؛ با اصلاح فکر و رویه می‌توان شاهد بهترشدن وضعیت بود. ما باید یاد بگیریم نگاه تخصصی به قراردادها داشته باشیم. منافع ملی پای منافع حزبی قربانی شود. برداشتن و عزل و نصب کار ساده‌ای است. متأسفانه مسئله اینجاست که ما متخصصان این حوزه را نداریم. همه افراد به دلیل بانددازی و جناح‌بازی در حوزه‌هایی ورود می‌کنند که به آن هیچ‌گونه ارتباطی ندارند.

♦ **برای سؤال پایانی به گفت‌وگوی چند سال پیشم با حضرت‌عالی بامزی‌می‌کردم؛ زمانی که به دلیل موضوع مذاکرات برجامی و همچنین شیوع کرونا برخی جریان‌ها از مجلس و تریبون موضوع شکایت از روحانی و ظریف را مطرح کردند و شما عنوان کردید حاضر به دفاع از آنها هستید. اکنون هم حاضر به دفاع از روحانی، ظریف، زنگنه و... خواهید بود؟**

من از همین تریبون روزنامه «شرق» می‌گویم اگر من وکیل این آقایان باشم، به‌طور تصام و کمال از آنها دفاع می‌کنم؛ چون من از نگاه حقوقی و مهم‌تر از همه از منظر منافع ملی به مسئله نگاه نمی‌کنم. اگر عده‌ای سندی دال بر جاسوس‌بودن حسن روحانی، محمدجواد ظریف، زنگنه و دیگر افراد دارند و حضرات ادعای وطن‌پرستی و دغدغه منافع ملی را دارند، چرا در همان زمان این مسئله را مطرح نکردند؛ مگر اینکه آقایان بعد از دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی جاسوس شده باشند؟ پس باید پرسید منظور آقایان الان است یا همان دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی؟ اگر در دوره حسن روحانی و ریاست‌جمهوری او، جاسوس‌بودن افراد نام‌برده مسجل شده بود، چرا شکایت نکردند؟ پس اینجا این پنهان‌کاری و این اتهام‌زنی‌ها رنگ و بوی انتخاباتی دارد و من حاضرم در هر دادگاهی از این افراد دفاع کنم.

خارجی نظیر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و کشورهای

عربی، موضوع دیپلماسی اقتصادی و دلارزدایی از اقتصاد و

تجارت خارجی، دیپلماسی عمومی، موضوع قحابه هیرمند،

مذاکرات رفع تحریم‌ها و برخی موضوعات دیگر را بیان کردند.

وزیر امور خارجه با مسروری بر سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران در دولت سیزدهم، آخرین تحولات مهم در

حوزه سیاست خارجی را برشمرد و به سؤالات حاضران پاسخ

گفت.

نشست مدیران مسئول و مدیران عامل رسانه‌ها و همچنین

فعالان رسانه‌ای دیدگاه‌ها، نقطه نظر، نقدها و پیشنهادهای

خود درباره طیف متنوعی از موضوعات مختلف سیاست

گفت‌وگو، تبادل نظر و ارائه پیشنهادهایی درباره موضوعات

سیاست خارجی و تحولات گوناگون منطقه‌ای و بین‌المللی

به مدت سه ساعت برگزار شد. به گزارش ایسنا، در ابتدای این

امیرعبداللهیان در نشست با مدیران مسئول و مدیران عامل رسانه‌های داخلی

وزارت امور خارجه آماده شنیدن دیدگاه‌ها ونقدهای سازنده است

پنجمین نشست هم‌اندیشی وزیر امور خارجه با

مدیران مسئول و مدیران عامل رسانه‌های داخلی و برخی

صاحب‌نظران رسانه‌ای در یک فضای صمیمی همراه با